



داستان‌های قدیمی قشنگ



هانیه وهابی

کسی رامی شناسید که قصه‌های کودکانه و قدیمی مادر بزرگ‌ها به گوشش خورده باشد، اما نامی از حسن کچل، این پسر بچه‌ی بامزه اما کمی تنبل و یک خرده حواس پرت را نشنیده باشد؟ معلوم است که نه، اما حالا محمد رضا شمس، روایت جذاب و جدیدی از این داستان قدیمی را برای خوانندگان کودک بازسازی می‌کند، در بخشی از این کتاب می‌خوانید: حسن کچل زیر شاخه‌های درختی لم داده بود و فارغ از دنیا زیر سایه‌ی درخت چرت می‌زد! اما همان وقت بود که آن هفت پشه‌ی عجیب و غریب از راه رسیدند و گویی کله‌ی کچل حسن را به چشم یک غذای چرب و چیل دیدند! حسن کچل هم دست به کار شد، اما مگر در افتادن با این پشه‌های زبل کار راحتی بود؟ تا دست بلند می‌کرد که یکی از پشه‌ها را روی کله‌اش نفله‌کند، صدای آخ خودش بلند می‌شد! اگر می‌خواهید ادامه داستان را بدانید، پیشنهاد می‌کنم حتما کتاب را بخوانید.



پهلوان پشه
و غول بیابونی
نویسنده:
محمد رضا شمس
ناشر: نشر افق
سال نشر: ۱۴۰۰

این داستان درباره نمکی دختر کنجکاو و مهربان قصه است که با مادرش در خانه‌ای زندگی می‌کند که هشت در دارد. نمکی مجبور است هر شب هشت در را ببندد، اما، نمی‌داند چرا؟ هرگاه از مادرش سبب رامی پرسد جواب‌های جوروا جورو می‌شنود: روزی نمکی تصمیم می‌گیرد یک در را نبندد. به این ترتیب میهمان عجیبی وارد خانه می‌شود، غولی آرام و بی‌آزار. نمکی، به خواسته مادر، با میوه، چای و شام از او پذیرایی می‌کند. نمکی در هر مرحله از پذیرایی یک نکته از آداب مهمانی را به غول یاد می‌دهد. خب بچه‌ها ادامه داستان را باید خودتان از روی کتاب بخوانید.



نمکی
نویسنده:
ناصر یوسفی
ناشر: پیدایش
سال نشر: ۱۳۹۸